

بازخوانشی از اقتباس‌های قرآنی در صحیفه سجّادیه (مطالعه موردی دعای اوّل تا هفتم)

فتحیه فتّاحی زاده*

استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء^(س)، تهران، ایران

عارفه داودی**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء^(س)، تهران، ایران

مرضیه محمص***

استادیار معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰)

چکیده

یکی از جلوه‌های درخشان صحیفه سجّادیه پیوند این کتاب شریف باقرآن کریم است. هدف این جستار، به تصویر کشیدن انس و همنشینی امام سجّاد^(ع) باقرآن کریم و نیز اثرپذیری عمیق آن حضرت^(ع) از کلام وحی در دعای اوّل تا هفتم صحیفه سجّادیه است. ضرورت این پژوهش، هویداسازی یکی از انواع تعامل گنجینه حدیثی شیعه باقرآن کریم، از رهگذر بررسی گونه‌شناسی اقتباس و کارکردهای گوناگون این گونه‌ها در بافت متنی صحیفه سجّادیه می‌باشد. بدین منظور، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این عنصر ادبی پرداخته شده است. گونه‌های مقتبس قرآنی در هفت دعای اوّل صحیفه سجّادیه عبارت است از: اقتباس کامل، جزئی، متغیر، اشاره‌ای و استنباطی. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پربسامدترین گونه، اقتباس متغیر و دشوارترین نوع، از حیث تشخیص، اقتباس استنباطی است و انگیزه کاربست این گونه‌ها برای تعلیل، تأکید، تفسیر و توضیح، تهلیل و تحمید و جری و تطبیق است و گاه کارکرد ترکیبی دارد.

واژگان کلیدی: امام سجّاد^(ع)، صحیفه سجّادیه، اقتباس‌های قرآنی.

* Email: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir (نویسنده مسئول)

** Email: advaf14@yahoo.com.

*** Email: m_mohases@sbu.ac.ir

مقدمه

پیوند همیشگی قرآن کریم و عترت (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق.، ج ۲۳: ۱۰۸) از جمله اصولی است که در آموزه‌های بنیادین اسلامی، نمودی چشمگیر داشته‌است. در این راستا، آرایه «اقتباس» قرآنی از نقش زیبایی‌شناختی برجسته‌ای در متون گرانسنگ روایی برخوردار است. اهل بیت^(ع) عدل قرآن حکیم هستند، به گونه‌ای که اگر این کتاب الهی به صورت انسان کامل متجلی شود، همانا در کسوت اهل بیت وحی^(ع) متمثل می‌شود و اگر این ذوات قدسی به صورت کتاب تدوینی ظهور کنند، در جامه قرآن حکیم متجلی می‌شوند و از این رو، همواره همتای وحی الهی هستند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴۴ و ۲۵۱). در سیره درخشان پیامبر^(ص) و امامان معصوم^(ع)، دعا و مناجات فصل برجسته و بالنده‌ای است که پیوند با پروردگار هستی را آشکارا جلوه گر می‌سازد (ر.ک؛ خیاط، ۱۳۹۰: ۱۳۸). نیاپش‌های پیامبران و امامان معصوم^(ع) کوبه باب رحمت رحیمه است که موجب رسوخ حب ذکر الهی در دل می‌گردد و یکی از مهم‌ترین ابعاد بندگی را هویدا می‌سازد. دعاهایی که از پیشوایان معصوم^(ع) نقل شده، هر یک مقامی از مقامات انشایی و علمی ائمه دین است (ر.ک؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۲: ۹ و ۳۱). میراث معنوی گرانبها و ذخیره فرهنگی ارجمندی است که به‌راستی می‌توان آن را مدرسه بزرگ، مکتب غنی و منبع مطمئن و سرشار از آموزه‌های بنیادین نام نهاد (ر.ک؛ قیانچی، ۱۴۲۶ق.: ۲۵-۲۶ و مدرسی، ۱۴۰۵ق.: ۷). این مناجات‌ها ضمن زمینه‌سازی برای عروج معنوی انسان‌ها، مقدمه‌ای برای دستیابی به باطن قرآن کریم است. بر این اساس، امامان معصوم^(ع) بیشترین بهره‌برداری و اثرپذیری را از قرآن کریم داشته‌است و در جای‌جای کلام این بزرگواران، آیات قرآنی مشهود بوده‌است. از جمله عترت پاک رسول اکرم^(ص)، چهارمین امام معصوم، حضرت علی بن حسین^(ع) است. کتاب عظیم الشأن صحیفه سجّادیه که «أخت القرآن» نامیده می‌شود (ر.ک؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۵: ۱۸)، یادگار ایشان است. حضرت در دورانی که ظاهرگرایان متحجر و جاهلان متنسک بر تلاوت قرآن کریم تأکید داشتند و از ایده «حسنا کتاب الله» دفاع می‌کردند، با اقتباس از آیات کلام وحی، نصوصی شایان تأمل را آفریده‌است. البته پیوند میان این دو کتاب، تنها یک پیوند

ظاهری نیست و به تعبیر زبان‌شناسان، به روساخت (Surface Structure) محدود نمی‌شود، بلکه به ژرف‌ساخت (Deep Structure) نیز پیوند می‌خورد.

پرسش اساسی این است که در صحیفه سجّادیه کدام گونه‌های اقتباس به کار رفته‌است؟ همچنین، پرکاربردترین این اقتباس‌ها کدام است؟

پژوهش‌های فراوانی در زمینه «اقتباس» صورت گرفته‌است که در مقاله «نقد و بررسی اقتباس از قرآن با نگاه بلاغی» نوشته علی صباغی در فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی (سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴) از آن‌ها به عنوان پیشینه مقاله یاد شده‌است. اما از پژوهش‌هایی که پیرامون اقتباس‌های قرآنی در روایات انجام شده‌است، تنها از دو اثر می‌توان نام برد: مقاله «اقتباس‌های قرآنی در نهج‌البلاغه» از حمید عباس‌زاده در فصلنامه مطالعات تفسیری (سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۹) و مقاله «اقتباس‌ها و استنادهای قرآنی امام رضا^(ع) در حدیث امامت» نوشته فتحیه فتاحی‌زاده، حسین افسردیر و عصمت رحیمی در پژوهشنامه معارف قرآنی (سال ششم، شماره بیست‌ویکم، تابستان ۱۳۹۴). اما مقاله حاضر در شمار نخستین پژوهشی است که به بررسی اقتباس‌های قرآنی در هفت دعای اول صحیفه سجّادیه پرداخته‌است و تاکنون تحقیقی در این زمینه روی صحیفه سجّادیه انجام نپذیرفته‌است.

شایان ذکر است که ترجمه آیات برگرفته از قرآن کریم با ترجمه محمد مهدی فولادوند و ترجمه و ترتیب‌بندهای دعا از کتاب ترجمه و شرح صحیفه کامله سجّادیه از علامه شعرانی است.

۱- مبانی مفهومی تحقیق

با توجه به موضوع انتخابی، ضرورت دارد تا تعریف اقتباس از نگاه متقدمان و متأخران واکاوی شود و با عنایت به اینکه در این تحقیق، بازخوانش اقتباس قرآنی در میراث شیعی مدّ نظر است که یادگار امام چهارم شیعیان می‌باشد، لذا شایسته است به دورنمای ادبی صحیفه سجّادیه نیز اشاره شود.

۱-۱) تعریف اقتباس

اقتباس مصدر عربی از باب افتعال از ماده «قبس» در لغت به معنای «پاره آتش گرفتن، نور گرفتن، فایده گرفتن و دانش فراگرفتن از کسی» است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۸۶ و ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۳۳۹). در اصطلاح علم بدیع نیز اقتباس در سخن منظوم یا مثنوی عبارت است از برگرفتن بخشی از آیه قرآن یا جزوی از حدیث، مشروط بر آنکه شاعر یا نویسنده، منبع خود (قرآن یا حدیث) را به صراحت یاد نکند (ر.ک؛ تفتازانی، بی تا: ۴۷۱؛ تقوی، ۱۳۶۳: ۳۲۴ و همایی، ۱۳۶۸: ۳۸۳).

نویسندگان آثار بلاغی، اشاره کوتاهی به انواع اقتباس نموده‌اند و اقتباس را از نظر اینکه معنای بخش مقتبس در متن جدید چگونه ظهور و بروز یافته باشد، به دو نوع تقسیم کرده‌اند (ر.ک؛ تفتازانی، بی تا: ۴۷۱ و خطیب قزوینی، ۱۴۲۴ق: ۳۱۵).

در نوع نخست، کلام اقتباس شده در معنای اصلی خود به کار می‌رود و در نوع دوم، الفاظ اقتباس شده از معنای اصلی خود تغییر می‌یابند (ر.ک؛ احمدنگری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۱۰۱-۱۰۲).

در برخی از متون بلاغی معاصر، به نحوه ظهور اقتباس و به بیانی دیگر، به کاربردشناسی آن به اجمال اشاره کرده‌اند و از این نظر، اقتباس را سه گونه دانسته‌اند:

الف) مقبول: استفاده از اقتباس در خطبه‌ها، موعظه، عهد و مدح پیامبر اکرم (ص).

ب) مباح: کاربرد اقتباس در غزل، نامه و قصه.

ج) مردود: نسبت دادن کلام باری تعالی به بنده و گوینده یا به کار بستن کلام مقتبس در هزل (ر.ک؛ هاشمی، بی تا: ۳۴۰ و طبانه، ۱۴۰۸ق: ۵۱۹).

در منابع بلاغت فارسی نیز اقتباس به دو نوع کلی ۱- مستحسن (الف: اقتباس احسن. ب: اقتباس حسن) و ۲- مستهجن، تقسیم و تعریف شده است (ر.ک؛ گاو، ۱۳۸۱: ۱۵۸-۱۶۳).

در گونه آخر، میزان تغییر در الفاظ و ترکیب جملات اقتباس شده می‌باشد؛ خواه با این تغییر الفاظ، معنا هم تغییر کرده باشد یا اینکه معنا تغییر نکرده باشد که بر این اساس، اقتباس به پنج گونه کامل، جزئی، متغیر، استنباطی، اشاره‌ای تقسیم می‌شود (ر.ک؛ عبّاس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴) و در این پژوهش، گونه اخیر مدّ نظر می‌باشد.

۲-۱) دورنمای ادبی صحیفه سجّادیه

یکی از جلوه‌های درخشان *صحیفه سجّادیه*، حُسن تلفیق تعابیر و موسیقایی شفاف‌انگیز واژگان است که با نظم خاصی در خدمت والاترین معانی و ژرف‌ترین اندیشه‌ها قرار گرفته‌است و بدین ترتیب، علاوه بر تلطیف روح مخاطب، شاکله اندیشگانی وی را به تکاپو وامی‌دارد. جلوه‌های ادبی در *صحیفه سجّادیه* با وام‌گیری از خزانه علم الهی، رستاخیزی از آرایه‌های بیانی می‌آفریند و دورنمایی متمایز از دیگر آثار فرا روی مخاطب قرار می‌دهد و شوق زمزمه با پروردگار بی‌همتا را زنده می‌کند.

از منظر محققان، یکی از زیبایی‌های *صحیفه* این است که متن دعاها در عین روانی و سلاست، سرشار از آرایه‌های ادبی است و گنجاندن این میزان از آرایه زبانی در متنی که به سبب دعا بودن، جوششی و دور از تکلف است، امری دشوار می‌باشد و زبان‌آوران از ارائه چنین کلامی اظهار عجز نموده‌اند (ر.ک؛ عشایری منفرد، ۱۳۹۲: ۶۷). ژرف‌مندی سخنان امام سجّاد^(ع)، ضرورت تدقیق و تحلیل متن *صحیفه سجّادیه* از زوایای گوناگون ادبی را دوچندان کرده‌است.

۲- تحلیل کارکردهای انواع اقتباس قرآنی در *صحیفه سجّادیه*

بهره‌گیری و اثرپذیری معصومان^(ع) از قرآن به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد: به قصد تبرّک و تیمّن (یعنی با آوردن کلام خداوند، به سخن خود مبارکی و تبرّک بخشیدن)، به قصد تحمید، تهلیل و تسبیح (یعنی با بهره‌گیری از آیات قرآن، به مدح و ثنا پرداختن یا اقرار به توحید یا پیراستن خدای تعالی از نقص و کاستی)، به قصد تبیین،

تفسیر و توضیح (یعنی با آوردن عبارت قرآنی، مقصود خویشتن را آشکار ساختن)، به قصد تعلیل و توجیه (یعنی آیه‌ای از قرآن را بر سخن خود دلیل آوردن)، به قصد تبشیر و تحذیر (یعنی با آوردن عبارت قرآنی، خواننده را به چیزی بشارت دادن و تشویق کردن یا از چیزی تحذیر و زنهار دادن)، به قصد جری و تطبیق (یعنی عبارت قرآنی را بر مصادیق جدید غیر از مصادیق زمان نزول تطبیق دادن)، به قصد تزیین و تجمیل (یعنی کلام خویش را با گزاره‌های قرآنی آراستن و زیبا ساختن)، به قصد تأکید (یعنی با آوردن عبارت قرآنی، به روشنگری بهتر و اقناع مخاطب پرداختن) (ر.ک؛ خیاط و مهدوی راد، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۸). در ادامه، ضمن دسته‌بندی گونه‌های اقتباس در کلام امام^(ع)، کارکردهای هر یک نیز مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲) اقتباس کامل

در این نوع از اقتباس، عین نصّ قرآنی در اثر و کلام متکلم به کار گرفته می‌شود، بی‌آنکه هیچ تغییر یا دخل و تصرفی در آن ایجاد گردد (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۸۵: ۳۰). اقتباس‌هایی از این نوع را می‌توان در کلام امام^(ع) در موارد ذیل خلاصه کرد.

۱-۱-۲) تبشیر

عالم مُلک بریده از نظام ملکوت نیست. تمام سکناات ذرّات عالم تحت نظارت دقیق و حساب‌شده مأموران الهی است. از جمله مأموران الهی، فرشته‌ها هستند و شامل گروه‌های گوناگونند. در هر حادثه‌ای، یک یا چند مُلک موکل هستند (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۳۳). امام^(ع) در صحیفه به توصیف فرشتگان ساکن بهشت و استقبال‌کنندگان از بهشتیان می‌پردازد و به منظور تبشیر و تشویق آیه‌ای از قرآن کریم را اقتباس کامل می‌نماید و چنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ: و آن‌ها که به اهل بهشت گویند: سلام بر شما به پاس آنچه صبر کردید. نیکوسرایی است خانه آخرت» (الرّعد/۲۳-۲۴) (صحیفه سجّادیه / د ۳).

«سلام» یعنی نوید سلامت و کرامت و نبودن هر چه که ناراحتی آورد و زیان بخشد (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۲۴۶ و طبرسی، ۱۴۱۷ق.، ج ۶: ۴۴۵). ملائکه ساکن بهشت با بندگان مخلص خدا دیدار می‌کنند و با مهربانی به آنان بشارتی می‌دهند که مایه روشنی چشم آنان است و این عاقبت، سرانجام اعمال صالحی است که در هر بابی از ابواب زندگی، بر آن مداومت دارند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۱: ۳۴۷). امام^(ع) با اقتباس از کلام وحی، توجه خواننده را به مأموران الهی جلب می‌نماید و به بشارت و تأمل درباره عاقبت بهشتیان وامی‌دارد.

۲-۱-۲) تحذیر

حضرت در بیان يوم الفصل و نبودن یار و یاور در آن روز و یاری نشدن کفار می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (الدخان / ۴۱): روزی که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی‌کند و از هیچ سو یاری نمی‌شود» (صحیفه سجّادیه / ۱). مشاهده می‌شود که بخشی از این دعا اقتباس کاملی از آیه شریفه قرآن کریم است و امام^(ع) از آن برای تحذیر کافران استفاده می‌نماید.

همچنین، حضرت^(ع) در توصیف فرشتگان موکل تعذیب اهل جهنم آیه‌ای از قرآن را اقتباس می‌نماید و چنین می‌فرماید: «وَالزَّبَانِيَةُ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ﴿خُذُوا فَعُولَهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلْوَهُ﴾ (الحاقة / ۳۱-۳۰) ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا: و بر زبانیّه دوزخ که چون به آن‌ها گفته شود «بگیرید و ببندید و در دوزخ بسوزید»، بشتابند و مهلت ندهند» (همان / ۳). «زبانیّه» از ماده «زَبَن» به معنای دفع است (ر.ک؛ ازهری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۳: ۱۵۶ و ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق.، ج ۹: ۶۴) و بدان سبب که اهل دوزخ را از خروج از آن دفع می‌کنند، به این اسم نامیده می‌شوند. کلمه «غْلَوْه» امر از مصدر «غَلَ» است که به معنای بستن با زنجیر است (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۳۶). سلسله طولانی که در قیامت، آدم عاصی را به آن می‌بندند، همان زنجیر طبیعت و بند اوهام و قید آرزو و آمال طولانی دنیوی است که در عالم قیامت (تبلی السرائر) به دلیل تجسم اعمال صورت خارجی می‌پذیرد (ر.ک؛ امین، بی‌تا،

ج ۱۴: ۸۰). حضرت با اقتباس کامل از کلام الله توجّه مخاطب را به مأموران عذاب الهی و عاقبت جهنمیان وامی دارد.

۲-۱-۳) تأکید

در روز قیامت خداوند درباره آنچه انجام داده است، سؤال نمی‌شود؛ زیرا او کاری را جز بر اساس حکمت و حق انجام نمی‌دهد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۹۷)، اما انسان‌ها مورد سؤال واقع می‌شوند، چون برای همین آفریده شده‌اند (ر.ک؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۹) و اقتضای آفرینش حکیمانه و عادلانه آن‌ها این است که خداوند از آنان بازخواست نماید. حضرت در تأیید کلام و روشنگری و اقناع مخاطب از حقیقت سخن خویش، آیه‌ای از کلام وحی را اقتباس می‌نماید و این گونه می‌فرماید: «تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، وَ تَظَاهَرَتْ أَلْوَاهُ، لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ: نام‌های او پاک است (و او بری از نقص) و نعمت‌های او پی‌درپی، "در آنچه [خدا] انجام می‌دهد، چون و چرا راه ندارد، و [لی] آنان [انسان‌ها] سؤال خواهند شد» (صحیفه سجادیه / د۱).

۲-۲) اقتباس جزئی

در این نوع از اقتباس که در واقع، پربسامدترین گونه اقتباس از آثار ادبی می‌باشد، نویسنده یا متکلم با تکیه بر متن مورد اقتباس بخش‌هایی از عبارات، جمله‌ها و... را از آن برش می‌زند و در بافت متن خویش به کار می‌بندد (ر.ک؛ طعنه حلبی، ۲۰۰۷م: ۶۷). این نوع اقتباس در کلام امامان^(ع) که قرآن ناطق و شایسته‌ترین افراد در بهره‌جویی از فرازهای نورانی کلام وحی هستند، فراوان دیده شود. امام سجّاد^(ع) نیز در کلام خود از این نوع اقتباس با انگیزه‌های متفاوت استفاده نموده است که موارد زیر از آن جمله است:

۲-۲-۱) تهلیل و تحمید

در صحیفه سجّادیه، شهادت به یگانگی پروردگار و شهادت به صفت «رُئوف» در حق تعالی با قید «بِالْعِبَاد» در دعای «... أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ﴾ (الأنبياء/ ۲۳)، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، ﴿رُئُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (البقرة/ ۲۰۷) و آل عمران/ ۳۰، مَالِكُ الْمُلْكِ، رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ: ... که من شهادت می‌دهم تو خداوندی و هیچ معبودی غیر تو نیست، دادگستر و حاکم داد‌ده و "مهربان بر بندگان"، پادشاه گیتی، بخشاینده بر خلق". آمده‌است «(صحیفه سجّادیه / د ۶). ملاحظه می‌شود که حضرت برای اقرار به توحید و مدح و ثنای خدای تعالی از اقتباس جزئی بهره جسته‌است.

۲-۲-۲) تفسیر و توضیح

مقتضای عدل الهی است که آخرتی باشد و آن دار جزا باشد و هر دو گروه نیکوکار و بدکار به آنجا منتقل شوند و به آنچه کرده‌اند، جزا یابند و در حقیقت، پاداش‌های اخروی بازتاب‌های تکوینی عملکرد انسان است (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۹۰: ۸۸). امام^(ع) به منظور توضیح و تفسیر عدل خداوند بخش برجسته‌ای از آیه ۳۱ سوره نجم را در کلام خویش می‌آورد و چنین می‌فرماید: «﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ (النجم/ ۳۱) عَدْلًا مِنْهُ...: تا بدکاران را به عمل زشت کیفر کند و نیکوکاران را به عمل نیک پاداش دهد. رفتار او عدل است...» (صحیفه سجّادیه / د ۱).

همچنین، در آخرت خود عمل، جزاست و عذاب و ثواب آن جهان، تبلور اعمال انسان در دنیاست. امام^(ع) در توصیف قیامت و دیدن سزای عمل چنین می‌فرماید: «﴿يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (الجاثیه/ ۲۲)....: روزی که هر کس پاداش رنج خویش را ببیند و بر کسی ستم نشود» (همان، ۱۲: ۱). مشاهده می‌شود که حضرت با اقتباس جزئی از آیه قرآنی، به تفسیر و توضیح قیامت می‌پردازد.

۳-۲-۲) تعلیل و توجیه

«تابعین»، همان پیروان راستین هستند که به سابقان از مهاجرین و انصار پیوستند و همه انسان‌هایی را که در ایمان و طاعت از آن‌ها پیروی می‌کنند؛ یعنی همه مؤمنان پس از صحابه را تا روز قیامت در بر می‌گیرد. امام^(ع) در پیشگاه الهی، بهترین پاداش‌ها را برای آنان خواستار است و در مقام تعلیل و توجیه این نگرش و توجه خاص به «تابعین»، جزئی از آیه مبارکه قرآن را اقتباس می‌نماید و چنین دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ» (الحشر/ ۱۰) خَيْرَ جَزَائِكَ: خدایا! بهترین پاداش خود را بدان گروه برسان که در نیکوکاری (ایمان و عمل صالح) (بلاغی، ۱۳۸۰: ۲۷) پیرو یاران پیغمبر شدند؛ آنان که پیوسته می‌گویند: ای پروردگار ما! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز» (صحیفه سجاده / د ۴).

۴-۲-۲) کارکرد ترکیبی

در مواردی، هدف از اقتباس جزئی، کارکردی ترکیبی دارد؛ به عنوان نمونه:

الف) از یک سو کارکرد تفسیری و از سوی دیگر کارکرد بلاغت‌افزایی دارد و بهره‌مندی از این کارکرد توأمان، آفریننده اثر زیباست؛ از جمله آن‌ها، سخن حضرت در وصف ملائکه «غِلَاطٌ شِدَادٌ» است: «وَالَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (التحریم/ ۶): و آن‌ها که "از فرمان خدا تخلف نمی‌کنند و هر چه فرماید، انجام می‌دهند" (صحیفه سجاده / د ۳).

قسمت برجسته‌ای از این بند دعا، اقتباسی از قرآن کریم است. جمله‌ای را که حضرت به صورت صله و معطوف آورده، به منزله تفسیری برای ملائکه «غِلَاطٌ شِدَادٌ» می‌باشد. گویا انگیزه‌ی امام^(ع) از به کار بردن موصول در این دعا، برای تعظیم این ملائکه است؛ زیرا آن را به صله‌ای بیان نمود که معظم است. ضمن اینکه سجع موجود میان سخن حضرت و آیه شریفه که در فواصل به حرف نون ختم می‌شود، هارمونی و تناسب آوایی

میان متن دعا و آیه شریفه را فراهم آورده است و بدین ترتیب، کارکرد بلاغت‌افزایی نیز دارد.

ب) از یک سو، برای مدح و ثنای پروردگار و سوی دیگر، کارکرد توضیحی - تفسیری دارد. نامتناهی بودن ذات مقدّس خداوند متعال از حیث ابتدا و انتها به ازلیت و ابدیت یا سرمدیت تعبیر می‌شود و از طریق این صفت کمالی، هر گونه محدودیتی از ساحت مقدّس حق تعالی نفی می‌گردد (ر.ک؛ دیرباز و دشتی، ۱۳۹۴: ۵۴). امام سجّاد^(ع) در *صحیفه سجّادیه* خداوند را اینگونه توصیف می‌نماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بَلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ وَ الْأَخِرِ بَلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ: سپاس خداوند را که نخستین موجود است و پیش از او هیچ نبود و آخرین موجود است و پس از او هیچ نباشد» (*صحیفه سجّادیه* / د ۱). این سخن حضرت توصیف همان توحید تامی است که در آیه ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست ﴿الحدید: ۳﴾ آمده است. امام سجّاد^(ع) عبارت «الأوّل و الآخر» را که در قرآن کریم به کار رفته، توضیح و تفسیر نموده تا اجمال نهفته در آیه روشن شود. همچنین، بر این نکته تأکید دارد که صفت اولیت برای خداوند متعال غیر از اولیت زمانی و نسبی است که قبلیت دیگری را می‌پذیرد. وجود اشیاء از او نشأت می‌گیرد، ولی او وجودش بذاته است و از غیر نیست. البته افعّل التفضیل اقتضای مشارکت دارد، ولی از خدای سبحان هیچ چیز پیشی نمی‌گیرد. او به همه ماسوای خود تقدّم دارد. همچنین، خدای متعال آخری است که پس از او آخری دیگر قابل تصوّر نیست؛ زیرا اوّل هیچ موجودی نسبت به خداوند متعال استقلال ندارد. ثانیاً خداوند متعال غایت همه موجودات عالم است و غایت هر چیز، غیر خود آن چیز است. بدین ترتیب، حضرت با اقتباس جزئی از قرآن کریم، نوعی پیوند میان سخن خویش با کلام وحی ایجاد نموده است.

۲-۳) اقتباس متغیر

منظور از این نوع اقتباس آن است که نویسنده یا متکلم بخشی مستقل از آیه قرآنی را از سیاق جدا و با برخی ساختار شکنی‌های ساده یا پیچیده در لایه صرفی یا نحوی یا

بلاغی، همچون کم و زیاد نمودن، مقدم و مؤخر نمودن اجزا، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات انشایی به خبری و برعکس آن را در اثر و سخن خود به کار گیرد (ر.ک؛ عباس زاده، ۱۳۸۹: ۷۵). پاره‌ای از اقتباس‌های این هفت ادعیه از این گونه است، که حضرت (ص) با تغییراتی در ساختارهای قرآنی، آن‌ها را در صحیفه سجّادیه به کار گرفته است. این تغییرات، گاه به واسطه‌ی اقتضائات ساختاری سخن است و گاه جهت از نو سامان دادن تعبیری است، که در اثر انس و ممارست با قرآن کریم، برای مخاطب عادی شده است و به مدد این تغییر حضرت (ع) اشخاص را به بازنگری در پیام‌ها و امی دارد و دیدگاه مورد نظر خویش را به مخاطب القا می‌نماید. به عنوان نمونه:

۲-۳-۱) تحمید

امام سجّاد (ع)، خدایی را که سرپرست بندگان است و همه امور به دست اوست، اینگونه توصیف می‌فرماید: «إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ» که همانا او یاور است (صحیفه سجّادیه / د ۱). این عبارت مقتبس از آیه ﴿... وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾ و هم اوست سرپرست ستوده است ﴿الشوری / ۲۸﴾. حضرت در این بند از دعا صفات خدا را برمی‌شمرد و با تغییر جزئی در ساختار، آن را به سبک خویش و در همان معنا به کار می‌برد؛ یعنی به منظور تأکید از حرف مشبّه بالفعل «إِنَّ» (ر.ک؛ شرتونی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۹۸) و برای جلوگیری از تکرار به جای «ال» کمالیه، از تنوین تفخیم استفاده می‌نماید.

همچنین، اوّل چیزی که شامل همه شده، رحمت است. خلق از رحمت آمدند و به رحمت باز می‌گردند. امام (ع) رحمت الهی را چنین توصیف می‌نماید: «... وَأَنْتَ أَرْحَمُ مَنْ كُلِّ رَحِيمٍ...» و تویی مهربان‌تر از هر مهربانی (صحیفه سجّادیه / د ۶). حضرت برای مدح و ثنای پروردگار، آیه ﴿وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ و تو مهربان‌ترین مهربانانی ﴿(الأنبیاء / ۸۳)﴾ را اقتباس می‌نماید و همان معنا را با اندک تغییری در ساختار نحوی آن عرضه می‌نماید؛ بدین صورت که به جای «ال» استغراق جنس که بیانگر غایت رحمت است (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۳: ۱۳۰)، از واژه قریب آن، «کل» و برای توضیح و رفع

ابهام از «مِنْ» بیانیّه استفاده می‌نماید و بدین ترتیب، مخاطب را به توجه و بازنگری در آیه وامی‌دارد.

۲-۳-۲) تسبیح

فرشتگان موجوداتی نورانی هستند و هر دسته از آنان موظّف به انجام وظیفه‌ای می‌باشند که از سوی خدا به آنان محوّل گشته‌است (ر.ک؛ طاهری، ۱۳۹۱: ۸۹). در این میان، دسته‌ای از فرشتگان حاملان عرش‌اند که همواره در تسبیح و تقدیس هستند. امام^(ع) آنان را این گونه توصیف می‌نماید: «اللَّهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَقْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ... وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ: خدایا! حاملان عرش تو که در تسبیح تو سُستی نمی‌کنند... و از بندگی تو فرو نمی‌مانند» (صحیفه سجّادیه / د ۳). کلام حضرت تداعی‌کننده آیه زیر است که حضرت برای بیان تسبیح ملائکه آن را اقتباس می‌نماید: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ * يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ: و کسانی که نزد اویند، از پرستش وی تکبر نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند. * شبانه‌روز بی‌آنکه سُستی ورزند، نیایش می‌کنند﴾ (الأنبياء / ۱۹-۲۰). هر دو متن به یک موضوع اشاره دارند، با این تفاوت که امام^(ع) با تقدیم و تأخیر در چینش واژگان و تغییر ساختار (تبدیل فعل «يُسَبِّحُونَ»، به مصدر «تَسْبِيح» و جایگزین نمودن ضمیر مخاطب «ك» به جای ضمیر غایب «ه») آن را به سبک خویش به کار می‌گیرد و با این اندکی تغییر و تحول، مخاطب را به بازنگری و توجه بیشتری دعوت می‌نماید.

۲-۳-۳) تفسیر و توضیح

یکی از اوصاف فعلیه خدای سبحان، «رازق» و «رَزَّاق» است. حضرت سجّاد^(ع) نیکوترین روزی‌های مادی و معنوی را از جانب خداوند دانسته، می‌فرماید: «... أَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ: ... روزی‌های پاک را برای ما روان داشت» (صحیفه سجّادیه / د ۱). دعای فوق مقتبس از آیه زیر است که می‌فرماید: ﴿وَرَزَقْنَاكَ مِنَ الطَّيِّبَاتِ: و از غذاهای

لذیذ خوش به شما روزی داد ﴿غافر/ ۶۴﴾. امام^(ع) به منظور مدح و ثنای پروردگار، کلام وحی را به کار می‌برد، لیکن در ساختار تغییری ایجاد می‌نماید. به جای فعل «رَزَقَ»، از مصدر آن (الرزق) استفاده می‌نماید و واژه «طَّيَّبَات» را که در قرآن کریم به همراه «مِنْ» بیان جنس (ر.ک؛ سامرائی، بی‌تا، ج ۳: ۱۲۰) آمده‌است و نقش مجروری دارد، به عنوان مفعول به به کار می‌برد. همچنین، با ارائه تصویری زیبا، روزی‌های پاک را به بارانی مانند می‌نماید که خداوند بر بندگانش جاری می‌سازد و با به کار بردن فعل حرکتی «أَجْرَى»، دلالت بر دوام و کثرت این روزی‌های پاک دارد؛ یعنی همواره در طول زندگی رزق‌های نیک به ما داد. افزون بر این، به منظور همخوانی آیه به لحاظ نحوی با سیاق کلامش، به جای ضمیر مخاطب، ضمیر متکلم مع‌الغیر آورده‌است.

همچنین، امام^(ع) منعم حقیقی را پروردگار می‌داند و چنین می‌فرماید: «أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَغْنَانَا بِمَنَّةٍ: و ستایش خدایی را که... به فضل خویش بی‌نیاز ساخت و به نعمت خود سرمایه بخشید» (صحیفه سجادیه / د ۱). کلام حضرت یادآور این آیه است که می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ: و هم اوست که شما را بی‌نیاز کرد و سرمایه بخشید﴾ (النجم/ ۴۸). امام سجّاد^(ع) به منظور مدح و ثنای پروردگار آیه‌ای از قرآن کریم را اقتباس می‌نماید، اما به منظور توجه بیشتر مخاطب با اندک تغییری در ساختار قرآنی، آن را به سبک خود در دعا به کار می‌گیرد. بدین ترتیب که به جای ضمیر غایب از ضمیر متکلم وحده استفاده می‌نماید و برای بیان دلیل توانگر ساختن، واژگان «فضل» و «مِنْ» را می‌افزاید.

۲-۳-۲) تعلیل و توجیه

خداوند متعال شب و روز را برای بندگان آفرید تا امر دنیا و آخرتشان را توأمان پیش ببرند، بی‌آنکه نسبت به یکی کوتاهی و بی‌توجهی شود و این برای اهل سلوک اسراری دارد (ر.ک؛ حسینی مدنی شیرازی، ۱۴۲۷ق.، ج ۲: ۱۹۳). امام^(ع) هدف از آفرینش شب و روز را چنین بیان می‌نماید: «فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ... وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا...: پس شب را آفرید تا [در آن] بیاسایند... و روز را برای آنان روشن آفرید...» (صحیفه سجادیه /

د ۶). ملاحظه می‌شود که حضرت در مقام تعلیل، آیه **﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا﴾** خداست آن که شب تار را برای آسایش و استراحت شما قرار داد و روز را (برای کسب و کار شما به چراغ خورشید) روشن گردانید» (غافر / ۶۱) را اقتباس می‌نماید و با اندک تغییری در ساختار نحوی متن، آن را در کلام خویش به کار می‌برد؛ یعنی به جای ساختار خطابی «لتسکنوا»، فعل غایب «لیسکنوا» را به کار می‌برد که از آن به صفت التفات یاد می‌شود. همچنین، به منظور تکرار نشدن فعل «جَعَلَ»، از فعل «خَلَقَ» استفاده می‌نماید؛ زیرا «جَعَلَ» لفظ عام است و در پنج وجه به کار می‌رود که یکی از وجوه آن، به معنای «خلق کردن، ایجاد کردن و آفریدن» است و یک مفعول می‌گیرد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.، ج ۱: ۱۹۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۱: ۱۱). بدین ترتیب، با توانایی و هنرمندی والای ادبی از طریق کلام وحی به فراخور و مقتضای کلام، مقصود خویش را بیان می‌نماید و به غنای کلامش می‌افزاید، ضمن اینکه مخاطب را نیز از عادت خارج نموده، به بازنگری در کلام وحی وامی‌دارد.

۲-۳-۵) تبشیر و تحذیر

چشم برزخی بعضی از انسان‌ها هنگام احتضار و در برزخ و قیامت نسبت به دیدن اسمای جمالیّه حق، کور و بی‌نور است، اما حمد حامدان مایه بینایی و روشنی چشم آنان است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۶۷). حضرت علی بن حسین^(ع) نیز چنین حمدی را از پروردگار طلب می‌نماید: «حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ وَ تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ؛ سپاسی که چون چشم‌ها خیره گردد، چشم ما بدان روشن شود و چون روی‌ها سیاه شود، روی ما بدان سفید گردد» (صحیفه سجّادیه / ۱۵). ملاحظه می‌شود که حضرت به منظور تبشیر و تحذیر، آیات **﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾** (بگو: در آن هنگام که چشم‌ها از شدت وحشت به گردش درآید) (القیامه / ۷) و **﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾** در آن روزی که چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی سیاه گردد. اما سیاه‌رویان به آنان گویند: آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید، این عذاب را

بچشید ﴿آل عمران/ ۱۰۶﴾ را از قرآن کریم اقتباس می‌نماید و با تغییراتی در ساختار متن آیه، آن را به سبک خویش و با همان معنا به کار می‌برد، به این صورت که واژه «الْبَصَر» را به جمع مکسر آن (الْبُصَار) تغییر می‌دهد (ر.ک؛ شرتونی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۴۵) و از آنجا که جمع غیر عاقل معادل مفرد مؤنث است (ر.ک؛ انگورج تقوی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۱۱)، بنا بر تطابق فعل و فاعل، فعل آن را نیز به صیغه مفرد مؤنث می‌برد. همچنین، به جای واژه «وجوه»، کلمه‌ی قریب آن (الأبشار) را جایگزین می‌نماید؛ گویا هدف امام^(ع) از این تغییر، بازنگری و توجه بیشتر مخاطب به کلام وحی است.

همچنین، از نشانه‌های رحمت و لطف وسیع الهی، نعمت توبه و پذیرش آن از سوی خداوند است. امام^(ع) توبه‌پذیری پروردگار را اینچنین توصیف نموده است: «...يَا مُبْدِلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ...: ای که زشتی‌ها را به چندین برابر از حسنات مبدل می‌کنی» (صحیفه سجاده / د ۲). این کلام معصوم^(ع) مقتبس از این آی است که می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ...: مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند...﴾ (الفرقان / ۷۰). علت تبدیل سیئات به چندین برابر حسنات در دنیا یا به توفیق اعمال صالحه پس از اعمال سیئه است، یا به صورت تبدیل ملکه معصیت به ملکه طاعت است. تبدیل آن در آخرت نیز چنین است که وقتی سیئه‌ای تبدیل به حسنه می‌شود، گویا عبد، حسنه‌ای آورده است (ر.ک؛ حسینی مدنی شیرازی، ۱۴۲۷ق.، ج ۱: ۵۰۴). امام^(ع) به منظور تشویق بندگان و تبشیر آنان به آمرزش پروردگار، کلام وحی را با همان مفهوم در کلام خود به کار گرفته است، با این تفاوت که تغییراتی در ساختار ایجاد نموده است تا مخاطب را به التفات بیشتری نسبت به کلام وحی وادارد. بدین منظور، عبارت «يُبَدِّلُ اللَّهُ» را به صورت منادای «يَا مُبْدِلُ» تغییر داده است و کلمه «أَضْعَاف» را نیز به عبارت افزوده است و بدین ترتیب، بین دو متن نیز پیوند برقرار کرده است.

۲-۳-۶) جری و تطبیق

امام سجّاد^(ع) در صحیفه، با اقتباس از آیه‌ای که ناظر به طلب رزق موهوب از سوی راسخان در علم نسبت به پروردگارشان می‌باشد و به این صورت آمده است: ﴿رَبَّنَا ... هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ پروردگارا! از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری ﴿(آل عمران / ۸)﴾، از پروردگار خویش رزق موهوب را طلب می‌نماید؛ رزقی که فقط با هبة الهی به دست می‌آید، نه با سعی و عمل، و از این رو، به پروردگار خویش عرض می‌نماید: «... هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً...» و از نزد خود رحمت و گشایشی طبق دلخواه نصیب من کن...» (صحیفه سجّادیه / د ۷). امام سجّاد^(ع) در اینجا با تغییر ساختار (تبدیل ضمیر متکلم مع‌الغیر به ضمیر متکلم وحده) با انگیزه جری و تطبیق، این نکته را بیان می‌دارد که رحمت خاص و خالص و نیز فیض بی‌واسطه را تنها از ذات اقدس خداوندی می‌توان طلب نمود و «فقط از راه لطف و تفضل پروردگار حاصل می‌شود» (امین، بی‌تا، ج ۳: ۴۶). نکره آمدن «رحمة» نیز برای تعظیم است؛ یعنی همه امور خود را به وهّاب و امی‌گذارند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۲۴۲- ۲۴۳) که بلاعوض و بدون غرض عطا می‌کند.

۲-۳-۷) کارکرد ترکیبی

در مواردی هدف از اقتباس متغیر، کارکرد ترکیبی است؛ به عنوان نمونه امام^(ع) در دعای «اللَّهُمَّ... أَتَى أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ...: خدایا! همانا شهادت می‌دهم تو خداوندی و هیچ معبودی غیر تو نیست» (صحیفه سجّادیه / د ۶)، به تمام حقیقت خویش، در اقرار به توحید تجلّی نموده است. این بند از دعا تداعی‌کننده این آیه است: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ: خدایند (با ایجاد نظام واحد جهان هستی) گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست﴾ (آل عمران / ۱۸). ممکن است این اقتباس برای مقایسه میان شهادت خدا و شهادت امام^(ع) باشد؛ «گویا حضرت به خداوند عرض می‌نماید: من شهادت می‌دهم به آنچه که تو بر خودت شهادت می‌دهی» (ر.ک؛ حسینی مدنی

شیرازی، ۱۴۲۷ق.، ج ۲: ۲۸۹). امام^(ع) به لطف اقتباس قرآنی و با تغییر در ساختار نحوی آن (از زمان ماضی «شَهِدَ» به مضارع «أَشْهَدُ» و نیز از زمان غایب «أَنَّهُ - هُوَ» به زمان مخاطب «أَنْتَ - أَنتَ») به تهلیل پروردگار می پردازد. بدین ترتیب، ملاحظه می شود که کارکرد جری و تطبیق و تهلیل در این عبارت به هم گره می خورد. بر اساس این نمونه، می توان به این نکته در اقتباس متغیر پی برد که حضرت، سخن اقتباس شده را در فضایی جدید و برای مصداق و دلالتی جدید به کار می گیرد و این مزیت اقتباس به شمار می آید که به یک فن ابداعی و ابتکاری بدل می شود.

۲-۴) اقتباس اشاره ای

در این گونه اقتباس که بر پایه معدود واژگانی از متن اصلی بنا می شود، آفریننده ادبی با اشاره یا نشانه ای کوتاه به برخی اشخاص یا حوادث و داستان های قرآن کریم، به اثر خود غنا و عمق می بخشد و با همین اشاره یا نشانه، تمام ماجرا برای مخاطب یادآوری می شود، بی آنکه حضور لفظی کامل از ماجرا در متن باشد. بنابراین، اقتباس اشاره ای بر پایه معدود واژگانی از متن اصلی و مادر بنا می شود. شاید مراد ثعالبی از «تداول الشعراء معنی أصله من القرآن» (الأثری، ۱۴۰۹ق.، ۲۰۴) همین اقتباس باشد. مشخصه این نوع اقتباس ایجاز و فشرده گویی و به اصطلاح زبان شناسان، «اقتصاد زبانی» یا «کم کوشی زبان» (Linguistic economy) است. نگاهی به سیاق قرآنی و تعبیرهای صحیفه سجادیه مؤید این امر است. گذشته از این، دقت تعبیر نیز از ویژگی های بارز این گونه است. در ذیل به دو نمونه از این اقتباس اشاره شده است.

۲-۴-۱) تحمید

میکائیل در روایات، موکل رزاق برای اجساد و حکمت برای نفوس است و اعوان بسیاری نیز در سراسر عالم دارد که از جمله کارهای اعوان او، ایجاد نیروی حرکت در ارکان است که موجودات به وسیله آن نیروها، به اهداف و کمالات لایق خود می رسند؛

مانند فرشتگان مأمور بادهای، ابرها، باران‌ها، گیاهان، حیوانات و معادن (ر.ک؛ حسینی مدنی شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۲۶). همچنین، این فرشته مکانت رفیعی در اطاعت حضرت حق دارد. جبرئیل از میکائیل، نزد خدای متعال مقرب‌تر است و از تقدّم ذکر در قرآن کریم نیز همین مطلب فهمیده می‌شود (ر.ک؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۷۹: ۹۲): ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾: هر که دشمن خدا، فرشتگان و فرستادگان او، جبرئیل و میکائیل است، [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است ﴿البقرة / ۹۸﴾. امام^(ع) نیز با اقتباس از کلام وحی به اسمای این فرشتگان اشاره می‌نماید و در مدح و درود بر ملائکه و حاملان عرش چنین می‌فرماید: «وَمِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَالْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ. وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَآوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ: و میکائیل صاحب جاه و منزلت نزد تو و مکانت بلند در طاعت تو و جبرئیل که امین وحی توست و مطاع اهل آسمان و صاحب شأن و منزلت در پیشگاه و مقرب نزد توست» (صحیفه سجّادیه / ۳).

۲-۴-۲) تعلیل و توجیه

امام^(ع) داستان گوساله‌پرستی بنی اسرائیل، توبه بنی اسرائیل به وسیله کشتن یکدیگر و پذیرفته شدن توبه در درگاه الهی را به صورت اقتباس اشاره‌ای در صحیفه با این عبارت می‌آورد: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا: سپاس خداوند را که راه توبه را به ما نمود و این را از فضل او یافتیم و بس. اگر از همه نعمت‌های او هیچ یک را به حساب نیاوریم، جز همین یک نعمت را، باز باید بگوییم عنایت او درباره ما نیکو و احسانش عظیم و نعمتش بسیار است. سنت او در توبه امم گذشته این نبود» (همان / ۱۰). منظور از «مَنْ كَانَ قَبْلَنَا» در مناجات فوق، بنی اسرائیل هستند (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۶). این ماجرا به روایت قرآن کریم چنین است: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ

الرَّحِيمُ: و چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با [به پرستش] گرفتن گوساله بر خود ستم کردید. پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس [خدا] توبه شما را پذیرفت که او توبه پذیر مهربان است ﴿البقرة/ ۵۴﴾. بر اساس توضیح مفسران، ماجرا چنین بود که وقتی بنی اسرائیل گوساله پرست شدند و پس از آن نادم گشتند، توبه آنان به شرطی قبول شد که آنان که گوساله پرستیدند، کسانی را که گوساله پرستیدند، بکشند، بی آنکه هیچ سرو صدایی بلند شود و به این ترتیب، هفتاد هزار نفر کشته شدند تا توبه آنان قبول شد (ر.ک؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۷۹: ۷۱). این تکلیف سخت امت گذشته، کیفر گناهان آنها بود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۲۵). ملاحظه می شود که در مقام تعلیل و توجیه فضل خداوند به امت پیامبر ختمی مرتبت (ص) و آسانی تکلیف بر آنان به ماجرای بنی اسرائیل اشاره ای شده است.

۵-۲) اقتباس استنباطی

در این نوع اقتباس که مهم ترین گونه آن است، محوریت، کم و بیش با لفظ است؛ بدین معنا که نویسنده با الهام گرفتن از یک آیه قرآنی و پس از دریافت و درک مضمون، آن را به حکم ذوق و قریحه خود بیان می کند، به گونه ای که خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکری صریح از قرآن کریم نمی بیند (ر.ک؛ عباس زاده، ۱۳۸۹: ۱۴). این اقتباس نیز در کلام امام (ع) قابل مشاهده است. این اقتباس را می توان اقتباس معنایی دانست؛ زیرا قرینه حالی که وجود دارد، از جنس معناست و از لفظ آیه نیست و تابع شکل و قاعده ای خاص نمی باشد. همچنین، تشخیص و کشف آن دشوارتر از دیگر گونه ها بوده، اشراف به معانی قرآنی را می طلبد. در واقع، نگاهی به صحیفه سجّادیه این مطلب را روشن می دارد که کلام امام سجّاد (ع) نه تنها از لحاظ فصاحت و بلاغت (اقتباس کامل، جزئی، متغیر، اشاره ای)، برخاسته از قرآن کریم است، بلکه از نظر معارف و حقایق (اقتباس استنباطی) نیز مستنبط از قرآن است.

۲-۵-۱) تفسیر و توضیح

صحیفه سجّادیه در بر دارنده نمونه‌هایی از اقتباس استنباطی است که در این میان، جنبه تفسیری- توضیحی کلام بسیار قابل توجه است؛ به عنوان نمونه:

الف) امام^(ع) در مناجات خویش، خداوند را که برای انسان بهترین صورت را مصوّر ساخت و آماده کسب کمالات نمود، چنین می‌ستاید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ: ستایش خدایی را که برای ما زیباترین آفرینش را برگزید» (صحیفه سجّادیه / د ۱). این کلام حضرت به لحاظ مفهومی آیه زیر را یادآوری می‌نماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي... صَوَّرَكُمْ فَأَخْسَنَ صَوْرَكُمْ: خدایی که... شما را صورتگری کرد و صورت‌های شما را نیکو نمود﴾ (غافر / ۶۴).

ب) همچنین، در ستایش منعم حقیقی می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ: سپاس خدای را که باب احتیاج را از همه در سوی بر ما بست، مگر به سوی خودش» (۱: ۱۹) که تداعی کننده آیه زیر است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ: ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است﴾ (فاطر / ۱۵).

ج) نحوه وجودی ما از نظر شرایط تکوینی به دست خداوند متعال است و در این زمینه، آنچه را حضرت حق مقدر فرموده‌است، هیچ موجودی قادر به تقدّم و تأخّر آن نیست و هرگز از ناحیه خود، قدرت تغییر و دگرگونی آن را ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ: و تا خدا نخواهد، [شما] نخواهید خواست﴾ (الانسان: ۳۰). امام^(ع) این مفهوم را از کلام الله اقتباس می‌نماید و درباره حاکمیت اراده الهی چنین می‌فرماید: «ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَيْهِ مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ: آنگاه در راهی که خود خواست، آن‌ها را سالک گردانید و در طریق محبت خویش برانگیخت. بدان سوی که آنان را کشانید، یارای بازپس شدن ندارند و از آن سوی که آن‌ها را بازداشت، توانایی پیش رفتن ندارند» (صحیفه سجّادیه / د ۱).

(د) امام^(ع) می‌داند مُنعم و منتقم بی‌منازع خداست که همه امور به دست اوست و هیچ بازگرداننده‌ای برای قضای او و هیچ دفع‌کننده‌ای برای بلای او نیست، اما گویا آن حضرت به سبب گسترش کلام و تلذذ مناجات با محبوب، مضمونی واحد را با بیانات گوناگون اظهار می‌نماید و اینگونه به مناجات می‌پردازد: «فَلَا مُصَدِّرَ لِمَا أَوْرَدْتَ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَ لَا مُسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ: آن را که تو آوردی، دیگری نبرد و آنچه تو فرستی، دیگری بازنگرداند. بسته تو را دیگری نگشاید و گشاده تو را دیگری نبندد. دشوار تو را کسی آسان نگرداند، رها کرده تو را دیگری دست‌نگیرد» (همان/ د ۷). حضرت به منظور تفسیر و توضیح موضوع، مضمون کلام خویش را از آیه زیر اقتباس می‌نماید: ﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يَمْسَسْكَ بَخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ و اگر خدا به تو زبانی برساند، کسی جز او برطرف‌کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند، پس او بر هر چیزی تواناست ﴿(الأنعام: ۱۷)﴾.

(ه) تفضیل امت محمد^(ص) بر سایر امم و تکریم خاص حضرت حق نسبت به آن‌ها تا آنجاست که انبیای سلف نیز تمنای بودن در امت پیامبر اسلام^(ص) را داشتند، چه رسد به امت‌های انبیا (ر.ک؛ ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۲: ۵۴). امام^(ع) پروردگار را به سبب این منت بزرگ که به سبب وجود عظیم‌الشان رسول اکرم^(ص) است، این گونه می‌ستاید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَةِ: ستایش خدایی را که نه بر امت‌های گذشته و قرون سپری‌شده، بلکه بر ما به وجود پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - منت نهاد» (صحیفه سجادیه/ د ۲). ملاحظه می‌شود آنچه را که امام^(ع) در مقام تفسیر و توضیح آورده‌است، ارتباط عمیقی با مفهوم آیه زیر دارد که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ: به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند﴾ (آل عمران/ ۱۶۴).

۲-۵-۲) تعلیل و توجیه

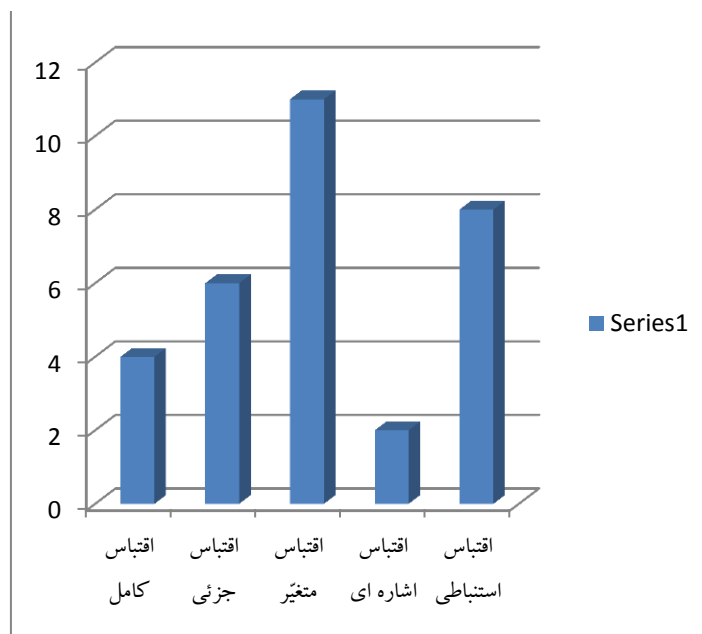
امام^(ع) در مناجات از حضرت حق می‌خواهد با اسم ستّاری خود با ما معامله نماید و پرده از اسرار ما بردارد؛ زیرا اقرار دارد که علم خداوند در هر پوشیده و پنهانی نافذ است، به طوری که هیچ پرده و حجابی آن چیز را از او نمی‌پوشاند و یا حتی ظریف‌ترین و پنهانی‌ترین عقاید قلبی و خطوات ذهنی را می‌داند و در پیشگاه پروردگار چنین عرض می‌نماید: «وَيَا مَنْ تَطَهَّرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ: و ای کسی که اخبار پنهان نزد تو آشکار است، بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را نزد خود رسوا مکن» (همان/ ۵). ملاحظه می‌شود آنچه را که امام^(ع) در مقام تعلیل و توجیه طلب پرده‌پوشی کریمانه پروردگار بیان می‌نماید، تداعی‌کننده این مضمون قرآنی است که می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ بگو اگر آنچه در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند و [نیز] آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، می‌داند و خداوند بر هر چیزی تواناست ﴿آل عمران/ ۲۹﴾.

۲-۵-۳) تأکید

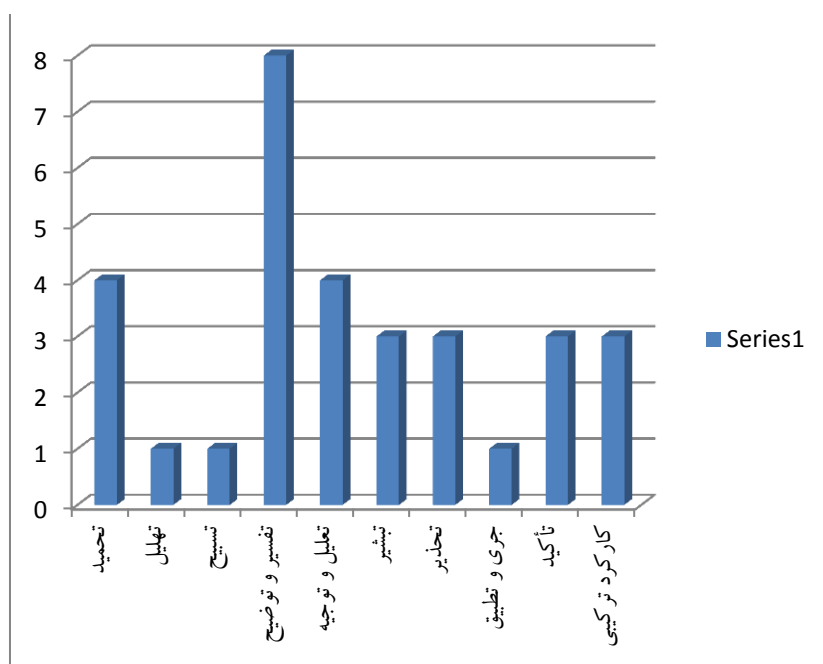
حضرت در عبارتی در قالب الفاظ جدید با اقتباس از آیه‌ای که رؤیت نشدن پروردگار را با چشم ظاهر بیانگر است، می‌فرماید: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ: چشم‌ها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را در می‌یابد﴾ (الأنعام/ ۱۰۳)، نبود احاطه وجودی (ر.ک؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق.، ج ۲: ۱۷۶) و درک خداوند با حواس را اینگونه بیان می‌فرماید: «الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ: خدایی که دیده بینندگان از مشاهده ذات او فرومانده» (صحیفه سجّادیه/ ۱). بدین ترتیب، با اقتباس از مضمون و مفهوم آیه، برای تأکید کلام خویش بهره می‌جوید، «تا مبدا مشرکینی که مورد خطاب این آیه‌اند، خدای تعالی را موجودی مادی و جسمانی پندارند» (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۷: ۵۳۲).

همچنین، امام^(ع) محافظت همه جانبه الهی را در مقابل شیطان خواستار است و این گونه به راز و نیاز می‌پردازد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَ عَنْ أَيْمَانِنَا وَ عَنْ شَمَائِلِنَا وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا، حِفْظاً عَاصِماً مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِياً إِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعِماً لِمَحَبَّتِكَ: خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و ما را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و از همه سو حفظ کن؛ چنانکه ما را از گناه محفوظ دارد، به طاعت تو راه نماید و دوستی تو را در دل ما جای دهد» (صحیفه سجادیه / د ۶). اینکه امام^(ع) در این بند از دعا حفظ الهی را از جهات چهارگانه روبه‌رو، پشت سر، سمت راست و سمت چپ می‌طلبد، مقتبس از این کلام وحی است که شیطان قسم یاد کرد از این چهار جهت بنی آدم را می‌فریبد: ﴿ثُمَّ لَا تَبِيبُهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَنِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ: آنگاه از پیش رو، از پشت سرشان، از طرف راست و از طرف چپشان بر آن‌ها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت﴾ (الأعراف / ۱۷).

نمودار ۱: اقسام اقتباس از قرآن کریم در هفت دعای اول صحیفه سجادیه



نمودار ۲: انگیزه امام سجّاد^(ع) از کاربری اقتباس‌های قرآنی در *صحیفه سجّادیه*



نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش شامل موارد ذیل است:

– بررسی انواع اقتباس در هفت دعای اوّل *صحیفه سجّادیه* مبین آن است که اقتباس‌های قرآنی حضرت محدود به اقتباس‌های ساده و عادی از قرآن کریم نمی‌شود، بلکه بسیار متنوع، هنرمندانه، خلاق و بافتی زیبا و بسیار متأثر از آیات قرآن کریم است.

– حضرت امام سجّاد^(ع) با تسلط بر قرآن کریم و انس و الفت با آیات قرآنی، برای ترسیم افکار و اندیشه‌های خویش در این هفت دعا، گاهی آیات قرآنی را بدون تغییر اقتباس نموده است. در برخی موارد، در لایه‌های صرفی، نحوی یا بلاغی قسمتی از آیات

اقتباس شده، تغییری حاصل نموده است و در مواردی دیگر نیز آیه اقتباس شده به طور کامل دچار تغییر شده، امام^(ع) فقط مضمون آیه را اقتباس کرده است.

- بر اساس آنچه در نمودار ملاحظه می شود، پربسامدترین اقتباس های قرآنی در کلام حضرت، اقتباس متغیر و پس از آن، اقتباس استنباطی است.

- اقتباس استنباطی دشوارترین گونه از حیث تشخیص است؛ زیرا خواننده در آن، حضور لفظی محسوس یا ذکر صریح از قرآن کریم را نمی بیند و کشف آن نیازمند ژرف اندیشی و اشراف بر مفاهیم قرآن کریم است و مهم ترین بعد آن، تفسیری - توضیحی است.

- قرار گرفتن متن در نوعی خاص از اقتباس، وجود نوع دیگر آن را رد نمی کند و چه بسا متنی از چند نوع اقتباس برخوردار باشد.

- انگیزه های امام^(ع) از اقتباس های قرآنی در صحیفه سجّادیه جهت تعلیل و توجیه، تأکید، تفسیر و توضیح، تهلیل و تحمید و جری و تطبیق است و گاه کارکرد ترکیبی در سخن دارد؛ مانند اینکه کارکرد تفسیری - توضیحی و بلاغت افزایی یا تهلیل و جری و تطبیق یا تحمید با کارکرد توضیحی - تفسیری در یک عبارت به هم گره می خورد.

- مهم ترین انگیزه و به عبارتی پرکاربردترین این اقتباس ها در کلام امام^(ع)، تفسیر و توضیح است.

- هدف از این پژوهش، گردآوری قرینه هایی است که به مثابه دلیلی بر وثاقت این ادعیه به شمار می رود و نسبت کتاب به گوینده را که در حکم قرآن ناطق است، محکم تر می سازد و گویای پیوند وثیق موجود است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

آقابزرگ تهرانی، محمدحسن. (۱۴۱۵ق.). *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه قمی، محمدبن علی. (۱۳۹۸ق.). *التوحید*. تحقیق و تصحیح هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.

_____. (۱۳۷۲). *معانی الأخبار*. ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی.

تهران: دارالکتب الإسلامية.

ابن درید، محمدبن حسن. (۱۹۸۸م.). *جمهرة اللغة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق.). *المحکم والمحیط الأعظم*. تحقیق عبدالحمید هنداوی. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
الأثری، محمد بهجة. (۱۴۰۹ق.). *الشعر و الشعراء و أنواع اقتباساتهم من ألفاظ القرآن الكريم و معاینه العدد البراع*. ج ۱۷. بغداد: وزارة الثقافة والأعلام.
احمدنگری، عبدالنبی بن عبدالرّسول. (۱۴۲۱ق.). *قاضی عبدالنبی بن عبدالرّسول*. ترجمه حسن هانی فحص. ط ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.

احمدی، فاطمه. (۱۳۹۰). *تجلی قرآن در صحیفه سجادیه*. تهران: حنیفا.
ازهری، محمدبن احمد. (۱۴۱۲ق.). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
امین، سیده نصرت بیگم. (بی تا). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید*. اصفهان: انتشارات انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست.

انگورج تقوی، حسین. (۱۳۹۱). *عربی جامع*. تهران: رمزینه.
بلاغی، صدرالدین. (۱۳۸۰). *ترجمه صحیفه کامله سجادیه*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
بیضاوی، عبدالله. (۱۴۱۸). *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

تفتازانی، مسعود بن عمر. (بی تا). *المطول*. بهامشه حاشیه السید میر شریف. قم: منشورات مکتبه الداوری.

تقوی، سید نصرالله. (۱۳۶۳). *هنجار گفتار (در فن معانی و بیان و بدیع فارسی)*. اصفهان: انتشارات فرهنگسرای اصفهان.

جواد آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *همتایی قرآن و اهل بیت (ع)*. تحقیق سید محمود صادقی. قم: مرکز نشر اسراء.

_____. (۱۳۸۵). *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*. قم: نشر اسراء.

حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۲). *نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور*. قم: انتشارات تشیع.

حسینی مدنی شیرازی، سید علی خان. (۱۴۲۷ق.). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین الإمام علی بن الحسین (ع)*. بی جا: مؤسسة النشر الإسلامی.

خطیب قزوینی، جلال الدین محمد. (۱۴۲۴ق.). *الإيضاح فی البلاغة المعانی والبیان والبدیع*. وضع حواشیه ابراهیم شمس الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة. خیاط، علی. (۱۳۹۰). «نیایش، فصل بالنده سیره امامان (ع)». *آموزه های قرآنی*. ش ۱۳. صص ۱۶۵-۱۳۷.

خیاط، علی و محمد علی مهدوی راد. (۱۳۹۱). «اقتباس: گونه ای از تجلی آیات قرآن در نیایش معصومان علیهم السلام». *علوم حدیث*. س ۱۷. ش ۶۴. صص ۹۰-۱۱۰.

دیرباز، عسکر و سکینه دشتی. (۱۳۹۴). «بررسی و تطبیق اوصاف الهی از منظر توحید شیخ صدوق و ملاصدرا». *پژوهشنامه کلام*. س ۲. ش ۲. صص ۴۳-۶۴.

راستگو، محمد. (۱۳۸۵). *تجلی قرآن و حدیث در ادب فارسی*. تهران: انتشارات سمت.

راغب اصفهانی، حسینی بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.

زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار صادر.

سامرائی، فاضل صالح. (بی تا). *معانی النحو*. عمان: دارالفکر.

شرتونی، رشید. (۱۳۹۰). *مبایء العربیة*. قم: انتشارات دارالفکر.

- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۷۹). *ترجمه و شرح صحیفه سجادیه*. تهران: اسلامیّه.
- طاهری، سید صدرالدین و منا فریدی خورشیدی. (۱۳۹۱). «ملائکة الله از دیدگاه ملا صدرا». *مجله معرفت*. س ۲۱. ش ۱۷۸. صص ۸۹-۱۰۸.
- طبانه، بدوی. (۱۴۰۸ق.). *معجم البلاغة العربية*. جده و ریاض: دار المناره و دار الرفاعی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق.). *اعلام الوری*. قم: مؤسسه آل‌البیت^(ع) لإحياء التراث.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
- طعمة حلبی، احمد. (۲۰۰۷م.). «أشكال التناس الشعری شعر البیاتی نموذجاً». *مجلة الموقف الأدبی*. ع ۴۳۰. صص ۶۰-۸۳.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد قیصر عاملی. بیروت: دار احیاء.
- عباس‌زاده، حمید. (۱۳۸۹). «اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه». *فصلنامه مطالعات تفسیری*. س ۱. ش ۱. صص ۳۸-۵۵.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نورالثقلین*. تحقیق سید هاشم محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عشایری منفرد، محمد. (۱۳۹۲). *تحلیل ادبی نهج البلاغه و قرآن*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *العین*. قم: نشر هجرت.
- قپانچی، سید صدرالدین. (۱۴۲۶ق.). *فی رحاب دعاء أبی حمزة الثمالی*. بی‌جا: دلیلنا.
- گاوان، عمادالدین محمود. (۱۳۸۱). *مناظر الإنشاء*. تصحیح معصومه معدن‌کن. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق.). *بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*. بیروت: مؤسسة الوفاء.

مدرّسی، محمدتقی. (۱۴۰۵ق.). *الدعاء معراج الروح و منهاج الحياة*. بی جا: المركز الثقافی الاسلامی.

مدرّسی چهاردهی، محمدعلی. (۱۳۷۹). *شرح صحیفه سجّادیه*. تهران: انتشارات مرتضوی. هاشمی، سیّد احمد. (بی تا). *جواهرالبلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*. ضبط، تدقیق و توثیق یوسف الصمیلی. بیروت: المكتبة العصرية. همایی، جلال الدین. (۱۳۷۰). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: مؤسسه نشر هما.